



دوره
بیست و سوم

۳۹۶

علی اکبر سیاسی : دانشگاه تهران و گذشته آن



مجموعه ادبیات و دانش و هنر امروز

در این شماره :

از پرویز خاکنری	از	از این سو تا به آن سو
علی اکبر سیاسی	از	دانشگاه تهران و گذشته آن
اسماعیل دولتشاهی	ترجمه	دافنه رژی (تخریم تولون و نیاکور)
محمدعلی فداییان	از	حرف‌های پدرم ، ترود از نظرم
سجودک	ترجمه	سیری در ادبیات معاصر قزاقی
ویوول باجانو	از	امساقه طبیعه در ادبیات رومانی
خوشنقد قنچی	از	درس انگلیسی (داستان)
جهان میرصادقی	از	آلاء آلا (داستان ایرانی)
محمد شمیمی	از	ذیلی بر مقاله کیفیت دانشگاهی
محمد سرور مولالی	از	بعضی درباره داستان سبک حیات
ضیاءالدین سجادی	از	شعر در باره شعر
پرویز خاکنری	از	درباره بیانی از شاهنامه

پرویز باعداد - پرویز خاکنری - آذر خواجه‌جوی
محمود کیا نوش، فریدون طهرانی - میثاق میرصادقی

شماره

۱۰

xalvat.com

وگزارش‌های ماه

۵۰ ریال

شهر تیر ماه ۱۳۵۳



فهرست

xalvat.com

ردیف	عنوان	از	صفحه
۱۰۶۷	از این سو تا به آن سو	پرویز نائل خانلری	
۱۰۷۱	شعر معاصران : (بامداد - خاتمی - خواجوی - کیانوش - مشیری - میمنت میرصادقی)		
۱۰۷۹	دانشگاه تهران و گذشته آن	علی اکبر سیاسی	
۱۰۸۳	واقعۀ دژی (تحریم توتون و تنباکو)	ترجمۀ اسماعیل دولتشاهی	
۱۰۹۳	حرفهای پندم، ترود از نظرم	محمدعلی قدیریان	
۱۰۹۶	سیری در ادبیات معاصر فیلیپین	ترجمۀ مسعودی	
۱۱۰۱	افسانۀ حلیمه در ادبیات رومانی	ویورک باجاکو	
۱۱۰۶	درس انگلیسی	ترجمۀ هوشنگ فدحی	
۱۱۱۱	آقا، آقا (داستان ایرانی)	جمال میرصادقی	
۱۱۱۶	ذیلی بر مقاله کیفیت دانشگاهی	محمد شفیع	
۱۱۲۲	بجای درباره داستان سمک عیار	محمد سرور مولائی	
۱۱۳۵	شعر درباره شعر	ضیاءالدین سجادی	
۱۱۵۰	درباره پیتی از شاهنامه	پرویز نائل خانلری	

در جهان دانش و هنر

۱۱۵۱-۱۱۵۶

نقد و بررسی

۱۱۵۷-۱۱۶۰

نگاهی به مجلات

۱۱۶۱-۱۱۶۳

پشت‌پرده کتابفروشی

۱۱۶۴-۱۱۶۶



دانشگاه تهران و گذشته آن

xalvat.com

در شماره تیرماه گذشته در مجله شریفه سخن از استاد ارجمند آقای دکتر محمود صنایی زیر عنوان « در کیفیت تدریس دانشگاهی » مقاله‌ای منتشر شده بود که بیشتر مطالب آن مورد قبول و تأیید استادانی است که نسبت به تعلیمات عالیّه و به خصوص نسبت به دانشگاه تهران علاقه خاص داشته و دارند . ولی با کمال تأسف ، همکار محترم در یک مورد کوتاه آمده ، مسامحه روا داشته یا اشتباه کرده‌اند و آن در مورد تفکیک دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ ، یعنی چگونگی استقلال یافتن این دستگاه علمی ، معنی این استقلال و نتایج حاصل از آن است . علت این مسامحه یا اشتباه به احتمال قریب به یقین این بوده است که ایشان در سال‌های اول این استقلال در اروپا به تکمیل تحصیلات عالیّه و مطالعات علمی اشتغال داشته و نمی‌توانسته‌اند از نزدیک شاهد جریان امور باشند .

کسانی که شاهد عینی این جریان بوده و احیاناً در آن کما بیش نقشی ایفاء کرده‌اند به خوبی به خاطر دارند که دانشگاه تهران تا سال ۱۳۲۶ اسمی بی‌مسمی بود ، زیرا هنوز به صورت یک « واحد کل » در نیامده بود ، دارای دستگاه اداری نبود و دانشکده‌ها یا یکدیگر ارتباط و تشریک مساعی نداشتند و از نظر اداری و فنی و مالی... مانند دبیرستانها و دبستانها ، تابع وزارت فرهنگ و وقت و ادارات و دوائر آن وزارتخانه بودند . رؤسای دانشکده‌ها و معلمان آنها پس از اراده و ذرای فرهنگ که خود را رئیس دانشگاهم محسوب می‌داشتند منصوب و معزول می‌شدند . راست است که هر چند گاهی وزیر فرهنگ ، رؤسای

۱۰۸۰ سخن - دوره ۳۳

انتصابی دانشکده‌ها و استادهایی را به وزارت فرهنگ احضار می‌کرد و در دفتر خود جلسه‌ای تشکیل می‌داد و آنرا شورای دانشگاه می‌خواند؛ ولی در جلسات این شوری نه تبادل نظری صورت می‌گرفت و نه درباره چیزی رایی داده می‌شد، بلکه غالباً اکتفا می‌شد به اینکه وزیر نظر خود را ابلاغ کند و دستورهای بدهد.

xalvat.com

این وضع سبب شده بود که پاره‌ای از اهل علم و ادب برای ورود به دانشگاه، یا برای حفظ کار و مقام خود در این حوزه علمی، به انواع وسائل مثبت شوند تا نظر لطف وزیر فرهنگ وقت یا وزیر فرهنگ احتمالی آینده را (باید دانست که در آن دوران عمر دولت‌ها کوتاه بود و احیاناً به یک سال نمی‌رسید) - به خود جلب نمایند.

بازی سر و کار دانشگاهیان، مانند دبیران و آموزگاران، با ادارات کارگزینی، بازرسی، آموزشی، حسابداری وزارت فرهنگ بود. یعنی برای گرفتن ابلاغ دانشیاری یا استادی باید به کارگزینی، و برای دریافت حقوق به اداره حسابداری آن وزارتخانه رجوع کنند؛ همچنین برای کارهای دیگر ...

این وضع و حال تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۹ ادامه داشت و موجب شرمساری و افسردگی استادان دانشگاه و مانع پیشرفت این موسسه علمی بود. در آن تاریخ استقلال دانشگاه - که اصول آن در قانون تأسیس دانشگاه پیش‌بینی شده بود ولی رعایت نمی‌شد - رسماً اعلام گردید و هی‌درنگ رؤسای انتصابی دانشکده‌ها از کار برکنار شدند و از استادان هر دانشکده دعوت به عمل آمد تا

۱- اینک نمونه‌ای از این تشبثات - یکی از استادان عالیقدر ممتاز دانشکده پزشکی می‌گوید: «پیش از استقلال یافتن دانشگاه روزی وزیر فرهنگ وقت برای مختص ناراحتی مزاجی که داشت خواهش کرد به دیدنش بروم. صبح روز بعد به منزلش رفتم. در اطاق انتظارش چندتن از استادان دانشگاه را دیدم که نشسته بودند. وزیر مرا فوراً پذیرفت و ناراحتی خود را بیان کرد و من هم دستورهای دادم. هنگام خداحافظی به او گفتم: «گویا استادهایی را برای تشکیل کمیسیون دعوت فرموده‌اند.» وزیر گفت: «که کمیونی در کار نیست. هر روز صبح زود عده‌ای از این آقایان اینجا می‌آیند برای اینکه موقع خروج من از منزل خودی نشان داده سلامی و اظهار ارادت کرده باشند.»



دانشگاه ... ۱۰۸۱

گردد هم آیند و شورای دانشکده را تشکیل دهند و به رأی مخفی رئیس دانشکده را انتخاب نمایند. این کار که صورت گرفت شورای رسمی دانشگاه، مرکب از رؤسای برگزیده دانشکدهها و یک استاد منتخب از هر دانشکده، برای نخستین بار تشکیل یافت و به رأی مخفی به انتخاب رئیس دانشگاه پرداخت و این رئیس به فرمان همایونی به این سمت برگزیده و مقنن گردید .

در این ضمن به دستور وزیر فرهنگ و رئیس منتخب دانشگاه در خارج از وزارت فرهنگ ، در ضلع شمال شرقی میدان بهارستان، اداره ای تشکیل گردید به نام « اداره کل دبیرخانه دانشگاه » و آقای دکتر محمود مهران، که در آن زمان مدیر کل اداری وزارت فرهنگ بودند، به مدیریت آن دبیرخانه انتخاب شدند و بی درنگ ادارات مختلف کارگزینی، آموزشی و انتشارات و حسابداری و باندرسی.... در این اداره کل به وجود آمد و کلیه پروندهها و نوراق و مدارک و اعتبارات مالی مربوط به دانشکدهها از ادارات مختلف و از بودجه وزارت فرهنگ بیرون کشیده شد و به ادارات مربوط دبیرخانه جدید انتساب دانشگاه انتقال یافت .

xalvat.com

از آن پس تمام امور اداری و فنی و استخدامی و آموزشی و مالی... دانشگاه مستقیماً توسط خود دانشگاه محل و فصل می گردید. شورای دانشکدهها اختیاراتی داشتند و رؤسای دانشکدهها مجری رأی شورایها بودند . اموری که جنبه عمومی داشت و مربوط به سیاست کلی دانشگاه بود در شورای دانشگاه مطرح می شد و رأی این شوری قاطع بود و بی چون و چرا به صورت اجراء درمی آمد. ادارات وزارت فرهنگ دیگر کوچکترین دخالتی در کار دانشگاه نداشتند و نمی توانستند داشته باشند . شخص وزیر فرهنگ هم ، با اینکه طبق قانون، نظارت عالی بر کلیه امور فرهنگی کشور داشت ، هیچ دخالتی در کارهای دانشگاه نمی کرد .

این بود معنی استقلال دانشگاه و نهایت حاصل از آن ، نه آنچه اشتباهاً از قلم همکار ارجمند دوست گرامی آقای دکتر صناعی در ضمن مقاله یاد شده تراوش کرده است . اما استادانی که در سالهای اول استقلال دانشگاه در این تنها مؤسسه عالی علمی کشور به کار اشتغال داشتند و با عشق و علاقه فراوان انجام وظیفه می کردند کسانی بودند امثال دکتر امیراهلم، ملک الشعراء بهار،



۱۰۸۲ سخن - مهر ۱۳۸۲

عبدالعظیم قریب، دکتر همیسی صدیق، مهندس عبداله ریاضی، دکتر غلامحسین صدیقی، پورداد، جلال همائی، دکتر هشرودی، فروزانه ... و یا امثال استادان جوانتری که بعد آمدند، مسائلمند دکتر یحیی مهلوی، دکتر پرویز خانلری، دکتر ذبیح‌الله صفا و خود آقای دکتر صناعتی... این تصور که این بزرگان علم و ادب در انجام دادن وظائف علمی خود ممکن است کوتاهی کنند مورد نداشت. از این رو، ضرورت ایجاب می‌کرد که کسی آنها را راهنمایی کند و در کار آنها نظارت و بازرسی بعمل آورد، و نه در آن زمان، در خارج از دانشگاه، کسانی یافت می‌شدند که برای چنین بازرسی و نظارت و راهنمایی صلاحیت داشته باشند. یا این همه این وظیفه توسط شورای دانشکده‌ها و شورای دانشگاه، که هفته‌ای یک‌بار مرتباً تشکیل جلسه می‌دادند و به همه امور کلی و جزئی دانشگاه با کمال دقت رسیدگی می‌کردند، به خوبی صورت می‌گرفت.

xalvat.com

این مختصر توضیح - برای دانشگاهیان نسبتاً جوان که هنوز بازنشسته نشده‌اند و یا در شرف نیل به این افتخار (۱) نیستند و به همین سبب از گذشته مؤسسه بزرگ علمی که در آن کار می‌کنند بی‌اطلاعند - لازم به نظر رسید.

علی اکبر سیاسی